

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

موضع دوم

موضع دوم که عمده بحث اجزاء در آن است این است که اگر مکلف يك مأموریه به امر اضطراری را اتیان کرد یا مأموریه به امر ظاهری را امتثال کرد آیا این عمل کفایت از مأموریه به امر واقعی می‌کند یا خیر؟

در این موضع دوم باید در دو مقام بحث شود:

مقام اول: مربوط به امر اضطراری است.

مقام دوم: مربوط به امر ظاهری است.

مقام اول: اجزاء در امر اضطراری

در مقام اول بحث است که اگر مکلف در شرایط اضطراری آن وظیفه اضطراری را انجام داد و مأموریه به امر اضطراری را امتثال کرد، مثلاً در شرایط فقدان ماء، مکلف طهارت ترابیه پیدا کرد آیا این عمل مجزی از مأموریه به امر واقعی - طهارت مائیه - هست یا خیر؟ مثلاً اگر نماز با تیمم خواند این نماز با تیمم، مجزی از نماز با طهارت مائیه هست یا خیر؟

آخوند در مقام اول (امر اضطراری) در دو جهت بحث می‌کند که يك جهت در مقام ثبوت و يك جهت در مقام اثبات است.

مراد از جهت ثبوت، یعنی ثبوتاً و با قطع نظر از ادله و اوامر اضطراری ببینیم احتمالاتی که در مسئله وجود دارد چیست؟ و چند احتمال در مسئله داده می‌شود و نتیجه آنها را بررسی کنیم که از این به بحث ثبوتی تعبیر می‌شود.

اما بحث اثباتی، یعنی ببینیم که آن ادله‌ای که مشتمل بر امر اضطراری است با کداميك از این احتمالات سازگاری دارد و موافق با کداميك از این احتمالات است.

اما بحث در جهت ثبوت: مجموعاً 4 احتمال در مسئله می‌دهیم. کسی که نماز با تیمم می‌خواند از نظر ثبوتی 4 احتمال در آن وجود دارد.

1- این نماز با تیمم تمام مصلحتی را که نماز با وضوء دارد، دارا می‌باشد؛ یعنی صددرصد مصلحت و ملاکی که در نماز با

وضوء است، تماماً در این نماز با تیمم هم وجود دارد. پس مأموریه به امر اضطراری وافی به تمام مصلحت واقعیه است.

2. این مأموریه به اضطراری، وافی به تمام آن مصلحت نیست، مثلاً 60% از آن مصلحت واقعیه را دارد ولی 40% مصلحت باقی می ماند. در این جا که مأموریه به امر اضطراری وافی به تمام مصلحت نیست دو صورت دارد:

آن ملاک باقیمانده (40% مثلاً) قابل استیفاء و تدارک هست و یا قابل تدارک نیست. و آن جا که قابل تدارک است دو صورت دارد: یا تدارک آن واجب است و یا تدارک آن غیر لازم و مستحب است.

مجموع این صور و احتمالات، 4 احتمال می شود که باید یکی یکی بررسی شود و در هر احتمال نیز باید در دو جهت بحث کرد: **جهت اول:** هر کدام از این 4 احتمال باید نتیجه اش از نظر اجزاء و عدم اجزاء بررسی شود.

جهت دوم: مسئله بدار و عدم بدار است که در این 4 احتمال ببینیم در کدامیک از اینها مبادرت - این که انسان اول وقت، نماز با تیمم بخواند - جایز است و بر طبق کدامیک مبادرت جایز نیست.

- **احتمال اول:** مأموریه به امر اضطراری تمام مصلحت مأموریه به امر واقعی را دارا است.

شکی نیست اگر چنین باشد نماز با تیمم از نماز با وضوء مجزی و مکفی است؛ زیرا می گوئیم: نماز با تیمم تمام مصلحت واقعیه را داراست. پس جهت اول که اجزاء بود در این احتمال اول روشن شد.

اما جهت دوم در این احتمال اول این است که آیا مبادرت در این احتمال جایز است یا نه؟ از نظر بدار و عدم بدار در این احتمال اول، مسئله سه صورت و سه فرض دارد:

1- **فرض اول:** نماز با تیمم (نماز اضطراری) مطلقاً آن صددرصد مصلحت را دارد، یعنی: ولو اینکه مکلف در داخل وقت هم واجد الماء شود، مع ذلك آن نماز با تیمم، صددرصد مصلحت نماز با وضوء را دارا می باشد.

با این فرض، شکی در جواز بدار و مبادرت نیست.

2- **فرض دوم:** نماز با تیمم، صددرصد مصلحت نماز با وضوء را دارد به شرط انتظار، یعنی: مکلف تا آخر وقت صبر کند و اگر تا آخر وقت آب پیدا نشد این نماز با تیمم صددرصد مصلحت نماز با وضوء را داراست.

روی این فرض، شکی در عدم جواز بدار نیست؛ زیرا نماز با تیمم در صورتی صددرصد مصلحت را داراست که تا آخر وقت صبر کند.

3- **فرض سوم:** در همین اول وقت باید ببینیم مکلف چه حالی دارد: اگر مأیوس از وجدان الماء است، نماز با تیمم صددرصد مصلحت را دارد و بدار جایز است؛ ولی اگر مأیوس نیست باید تا آخر وقت صبر کند و بدار جایز نیست.

- **احتمال دوم:** مأموریه به امر اضطراری وافی به تمام غرض و مصلحت در مأموریه به امر واقعی نیست و مصلحت باقیمانده

هم قابل تدارك نیست.

در این احتمال هم قائل به اجزاء می‌شویم؛ زیرا این نماز با تیمم، وافی به مقداری از مصلحت هست و آن مقداری را هم که وافی نیست، قابل استیفاء نیست؛ زیرا فرض این است که آن مقدار باقیمانده قابل تدارك نیست. پس چاره‌ای غیر از اجزاء نیست. این حکم احتمال دوم از جهت اوّل (اجزاء و عدم اجزاء) بود.

اما جهت دوم که مسئله بدار و عدم بدار است: در این احتمال دوم بدار جایز نیست، مگر این‌که از ادله بدار استفاده کنیم که يك مصلحت اهمی - مثل مصلحت اوّل وقت - در این بدار و مبادرت هست.

اشکال: مستشکل می‌گوید: روی این بیان اصلاً لازمه‌اش این است که مأمور به امر اضطراری تشریع نشود؛ زیرا شما می‌گویید: مأمور به امر اضطراری وافی به تمام غرض نیست و باقیمانده غرض هم قابل استیفاء نیست و این‌جا نباید شارع نماز با تیمم را تشریع کند، بلکه بگوید: در خارج وقت و با وضوء نماز بخواند.

جواب: این حرف در صورتی صحیح است که ما مصلحت خود وقت را نادیده بگیریم و بگوییم: زمان دخالتی در ملاک عمل ندارد؛ و حال آنکه مصلحت مهمی در خود وقت است که باعث می‌شود تا شارع از يك طرف بخواهد مکلف در وقت انجام دهد، و از يك طرف هم آب نیست و لذا باعث می‌شود که شارع بگوید: در داخل وقت و با تیمم نماز بخواند. پس باید رعایت مصلحت وقت را هم کرد ولو این‌که مقداری از مصلحت هم فوت می‌شود.

- احتمال سوم: مأمور به امر اضطراری وافی به تمام غرض نیست و بقیه غرض هم قابل استیفاء هست و واجب است که آن باقیمانده غرض هم استیفاء شود.

در این احتمال سوم اگر کسی نماز با تیمم خواند، مجزی نیست؛ زیرا فرض کردیم که باقیمانده غرض واجب الاستیفاء است، و لذا اگر نماز با تیمم خواند و در داخل وقت آب پیدا کرد باید اعاده کند و اگر خارج وقت به آب دست یافت باید قضاء کند.

- احتمال چهارم: مأمور به امر اضطراری وافی به تمام غرض نیست و بقیه غرض هم قابل استیفاء است استیفاء باقیمانده غرض هم مستحب است. پس این عمل مجزی است.

اما بحث از بدار در دو احتمال سوم و چهارم: در هر دو احتمال، بدار جایز است؛ و در احتمال سوم، مکلف مخیر است بین این‌که اوّل وقت با تیمم نماز بخواند و بعد از دست یافتن به آب و رفع اضطرار، نماز با وضوء بخواند و بین این‌که می‌تواند صبر کند تا بعدا که آب پیدا کرد، مأمور به امر واقعی را انجام دهد و از نظر بدار مخیر بین این دو عمل است.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين